

۲۱.۲.۲۱

۹۹-۷-۵

بیان دینی ما را بشنیم

برپایه کدواله و آئین آئین

نگارنده:

سید عزیزالله خاتمی

ضمین دقت در این مورد ما را در صورت عدم وجود هولوگرام مطلع سازید. با تشکر از همکاری شما

(توجه) فروشنده و خواننده گرامی: این کتاب دارای برچسب اصالت کالا (هولوگرام) در روی جلد است که

سرشناسه	خانمی، سید عزیزالله، ۱۳۳۷-
عنوان قراردادی	کمدی الهی La Divina Commedia
عنوان و نام پدیدآور	بیا نادیدنی‌ها را ببینیم: بر پایه کمدی الهی دانته البکری/ نگارنده سیدعزیزالله خاتمی.
مشخصات نشر	تهران: گسترش علوم پایه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۱۷۸ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۴۹۰-۷۹۱-۳
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	دانته آلیگیری، ۱۲۶۵ - ۱۳۲۱ م. کمدی الهی - اقتباس‌ها
صنایع	نثر فارسی - قرن ۱۴
سازمانده	Persian prose literature - 20th century
شناسه افزوده	دانته آلیگیری، ۱۲۶۵ - ۱۳۲۱ م.
شماره افزوده	Dante Alighieri
بندی کننده	PIRA۳۴۲
رده بندی دیوب	۸۶۲/۸۶۸
شماره کتابت ملی	۶۱۱۴۷۳۰

نام کتاب:	بیا نادیدنی‌ها را ببینیم
مؤلف:	سید عزیزالله خاتمی
ناشر:	انتشارات گسترش علوم پایه
مدیر فنی:	مهدی زنگنه
صفحه آرای:	سیما ابویی
طراحی جلد:	سیما ابویی
لیتوگرافی:	مهرشاد
چاپخانه:	کوثر
سال نشر:	۱۳۹۹
نوبت چاپ:	اول
شمارگان:	۱۰۰۰ جلد
قیمت کتاب:	۳۶۰۰۰ ریال
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۴۹۰-۷۹۱-۳ ISBN 978-964-490-791-3

حق چاپ و نشر محفوظ و مخصوص ناشر می‌باشد.

دفتر انتشارات: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، پلاک ۹، طبقه همکف

تلفن: ۱۵ ~ ۶۶۹۰۵۳۱۲ تلفکس: ۶۶۹۰۵۳۱۶-۲۱

نماینده گی تهران: خ انقلاب، نبش ۱۲ فروردین، پ ۱۴۴۴، کتابفروشی الیاس - ۶۶۴۰۵۰۸۴

Email: gostaresh_op@yahoo.com

www.gostaresh-pub.com

پیشگفتار:

محتمای این کتاب، یک داستان تخیلی است که از یک خواب آغاز می شود و
باید ار شدن به پایان می رسد. باشد که به پسند خوانندگان آید.

چند سال پیش، نگارنده برگردانی از شیرزنی دلاور و آگاه
به نام زخیده مهر روی (افغانی) خوانده بود.
براستی این کنج، چه دلنشینی و خرد پسندانه بود!

ای کاش!!!

این بنده می درگاه خداوندی، بازبان این هنرمند ارجمند، ماه تابان، نورنیدر نشان
(دانه آلیکری)) آشنا بود، به جای این رودخانه های پرارزش خروشان، خودش
از چشمه سار جوشان آن بزرگ مرد می نوشید و وارثان رادر دمیانی دیگر، روان می ساخت.

افسوس و صدا فوس!

نویسنده، خوانان آن شد تا بار دیگر به گونه ای نوین، واژگان را

به تاخت و تاز در آورد و دشت سخن را در نوردد.

در خنک که خود می داند تو نشن بد گام است و تنها کرد و خاک بر پای می کند.

امید است که بر اندام خوش تراش خوانندگان بزرگوار نشیند و آمان را نیالاید!

دیگر این که همه ی تلاش بر این بود، تا جامه ای بسیار ساده دوخته شود

که تار و پودش از واژگان پاری باشد.

(باشد که زمینه ی نیک اندیشان و نیکو روانان باند و پیکارشان خوش نشیند.)

پی در پی آوردن واژگان هم سان، از آن روی بوده که بخارنده، آگاهانه، خوانان آن

بوده است تا سگفتی خود را، در جاهای کوناگون به نمایش بگذارد، نه آن که نوشته را به

دراز بکشاند و کاستی و ویرانی را در سحرش پدید آورد.
دیگر این که دستش از واژگان پارسی روز تپی بوده است.

اسب، پیرو بی لگام،

اسب ران هم، ناتوان و خسته،

بای تنگ و راه، ناهموار،

چون توان، این سو و آن سو، بر جیدن؟

اسب تازی، سرزمینی پنهانی و ابدی،

با کندوزین و فقر اک،

با سواری، پرتوان،

باتوشه ای آکنده از سربایه می پر بار،

شیرین و از کان هم، تار و پود جامه و برکتوانش،

با، «دری» پیوسته، خواندن، راندن و راندن،

شتابان، در نور دیدن

آب تازی، سرزمینی پهن می خواهد.

از نام های دلربای خردافزای و آیین های پاک، بمخنین از آلودگان بدنام
(از دیدگاه دانسته آلیکری) که در کدی الهی آمده است در این نوشته از آنها پرهنر
شده است تا پیام، ساده تر و روان تر دریافت کرد.

همان کوزه که (دانسته آلیکری) بزرگ، آسمان را به شیوه ی (بطلمیوس)،
دسته بندی کرده است،